

احکام، مجازات و آثار دنیوی و اخروی فرار و اجتناب از مالیات زکات

مجتبی باقری تودشکی^۱

محمد مهدی باقری^۲

محمد رضا رضایی^۳

چکیده

یکی از مباحث مهم در تامین منابع مالی دولت از طریق مالیات، بحث فرار و اجتناب مالیاتی است که می‌تواند از دریچه ارزش‌های اسلامی (احادیث و آیات)، سیره نبوی و علوی و همچنین مباحث فقهی مورد بحث و نظر قرار گرفته تا از این طریق یک الگویی مناسب جهت اخذ مالیات و همچنین جلوگیری از فرار و اجتناب آن در یک دولت اسلامی معرفی شود. همچنین با همین نگاه بررسی آثار آن دو در اقتصاد می‌تواند ما را نسبت به عواقب آن دو هشیار و بر جلوگیری از آن ترغیب نماید.

این مقاله در صدد است که به بررسی آثار، احکام و تفاوت فرار، اجتناب و امتناع از مالیات زکات در فقه و روایات بپردازد و برای رسیدن به این هدف ابتدا به تبیین مفاهیم اولیه‌ای از اقتصاد متعارف در این زمینه پرداخته، سپس نظر علمای فقه و همچنین روایات رسیده از ائمه^(ع) در این موارد را متذکر شده و در ادامه به بیان آثار خرد و کلان فرار و اجتناب از مالیات زکات می‌پردازد و در نهایت نتیجه و الگویی را برای شرایط فعلی معرفی می‌نماید.

واژگان کلیدی: مالیات، زکات.

۱- مقدمه

تشکیل حکومت اسلامی در زمان ائمه^(ع) می‌تواند راهنمایی برای حل مشکلات اقتصادی و غیراقتصادی در زمان فعلی باشد. پیامبر در زمان محدود خود مالیات می‌گرفت و بوسیله آن خلل‌ها و فقر جامعه را برطرف می‌کرد. در آن زمان برخی از افراد از پرداخت مالیات فرار می‌کردند و برخی نیز از آن اجتناب می‌نمودند.

شکی نیست که هم اجتناب و هم فرار مالیاتی در در زمان پیامبر و علی اسلام مورد مذمت بوده و قوانینی نیز برای جرم عدم پرداخت مالیات در نظر گرفته می‌شده است و همه علمای بعد از زمان ائمه نیز در مورد مانع زکات مطابق روایات رسیده از طریق معصومین فتوا بر مذمت داده و احکامی برای جلوگیری از آنها صادر نموده‌اند. البته احکام صادره از ناحیه رسول خدا برای فرار مالیاتی با زمان پیامبر^(ص) سازگار بوده که در آن زمان مردم را از فرار مالیاتی منع می‌کرده است و لکن در زمان فعلی آنچه باعث جلوگیری از فرار می‌گردد باید بوسیله متخصصین (روانشناسان و جامعه‌شناسان) مورد بررسی قرار گیرد تا با شرایط جامعه امروز ایران سازگار باشد. همچنین با توجه به اینکه عمده مالیات در اسلام مربوط به زکات است و همچنین بر مبنای برخی از نظرات وضع موارد زکات بدست حاکم شرع می‌باشد و موارد نه گانه زکات نیز مربوط به زمان پیامبر بوده، بنابراین روح قوانین و احکام زکات می‌تواند برای اصلاح و بهبود مالیاتهای فعلی نیز مورد استفاده قرار گیرد و بنابراین نکات مطرح شده در مورد فرار و اجتناب از مالیات زکات در روایات و آیات می‌تواند برای اصلاحیه مالیاتی در ایران نیز مورد بهره‌برداری و استفاده قرار گیرد.

این مقاله در صدد است که به امتناع و فرار مالیات زکات در فقه و روایات رسیده از طرق ائمه^(ع) بپردازد و بنابراین ابتدا به برخی مفاهیم اولیه از این دو مورد در اقتصاد متعارف اشاره می‌کند و سپس نظری به کلمات علما در فقه پرداخته و در ادامه استحصای آثار و مجازات فرار

کنندگان از مالیات زکات در روایات را جستجو و طبقه‌بندی می‌نماید، و در نهایت نتیجه‌ای برای قانون تعزیر امتناع کنندگان از مالیات ذکر می‌نماید.

۲- برخی مباحث مقدماتی در مورد فرار، اجتناب و منع مالیات

۲-۱- مفهوم فرار، اجتناب و منع از مالیات

هرگونه تلاش غیرقانونی برای پرداخت نکردن مالیات مانند ندادن اطلاعات لازم در مورد عواید و منافع مشمول مالیات به مقامات مسئول، فرار مالیاتی خوانده می‌شود. تعریف فرار مالیاتی، برای انواع مالیات‌ها یکسان است. در فرار مالیاتی، به رغم تطبیق فعالیت با قوانین، در اجرای فعالیت یک یا چند ضابطه مصوب مراجع ذیربط تعدماً نادیده گرفته می‌شود.

تمایز مفهوم فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات به قانونی یا غیرقانونی بودن رفتار مؤدیان مربوط می‌شود. فرار مالیاتی، یک نوع تخلف از قانون است. وقتی که یک مؤدی مالیاتی از ارائه گزارش درست در مورد درآمدهای حاصل از کار یا سرمایه خود که مشمول پرداخت مالیات می‌شود، امتناع می‌کند، یک نوع عمل غیررسمی انجام می‌دهد که او را از چشم مقامات دولتی و مالیاتی کشور دور نگه می‌دارد. اما در اجتناب از مالیات، فرد نگران نیست که عملاً و افشا شود. اجتناب از مالیات، از خلاءهای قانونی در قانون مالیات‌ها نشأت می‌گیرد. در اینجا فرد به منظور کاهش قابلیت پرداخت مالیات، خود دنبال راه‌های گریز می‌گردد. مثلاً درآمدهای نیروی کار را در قالب درآمد سرمایه نشان می‌دهد که از نرخ پایین‌تری برای مالیات برخوردارند.

۲-۲- آثار سوء فرار مالیاتی بر اقتصاد و راه‌های جلوگیری از آن

به طور کلی، فرار مالیاتی سبب می‌شود که درآمدهای مورد نیاز دولت برای هزینه‌های اجتماعی تأمین نگردد و در نتیجه خدمات اجتماعی که دولت می‌باید آن‌ها را فراهم سازد، در حد مورد نیاز و با کیفیت ارائه نشود.

همچنین فرار مالیاتی سبب می‌شود، درآمدها در سطح جامعه به نحو مناسب توزیع نگردد و انباشت ثروت در دست گروه‌های خاص، نه تنها زمینه تقویت قدرت سیاسی این گروه‌ها را فراهم می‌سازد، بلکه شکاف طبقاتی موجب افزایش تنش‌های سیاسی و اجتماعی در جامعه می‌شود و در نهایت امنیت اقتصادی مورد نیاز برای گسترش فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری تجاری را دچار اختلال می‌کند. چنین پدیده‌های نیز موجب می‌شود که رشد و توسعه اقتصادی در میان مدت و دراز مدت لطمه ببیند.

در علم مالیه عمومی راهکارهایی برای جلوگیری از فرار مالیاتی بیان شده است که به برخی از آن‌ها در اینجا اشاره می‌شود: تعیین نرخ مناسب مالیات - ساده کردن نظام مالیاتی - افزایش ممیزی - جرایم مالیاتی مناسب - ایجاد ثبات در قوانین مالیاتی - دنبال کردن فراریان مالیاتی بزرگ - دموکراتیک شدن دولت و توجه دولت به خواسته‌های مردم - قدرت دادن به سازمان مالیاتی برای برخورد با مالیات‌گريزان - ترویج فرهنگ پرداخت مالیات - اخذ معوقات مالیاتی شرکت‌های دولتی و حذف برخی معافیتها - شناسایی و بستن راه‌های فرار مالیاتی - عزم جدی در اجرای قوانین تصویبی در حوزه مالیات و نیز اعمال افزایش‌های لازم - کاهش احساس عدم نیاز دولت به مالیات - عینی کردن نتایج استفاده از مالیات پرداختی توسط مردم - اجرای طرح مالیات بر ارزش افزوده و... از جمله این راه‌ها است.

۲-۳- احکام امتناع و فرار کننده از پرداخت مالیات زکات در فقه

احکام فرار و اجتناب کننده از مالیات می‌تواند در احکام مانع زکات و فرار مالیات نقدین در روایات جستجو شود و لکن مانع زکات بیشتر به کسی که به مقابله با گیرندگان زکات می‌پردازد، اطلاق شده است یعنی کسانی که با مالیات گیرندگان در می‌افتند تا مالیات را نپردازند ولی حکم مانع زکات در روایات در مواردی می‌تواند شامل فرار کننده غیرقانونی از مالیات نیز باشد در حالی که فرار کننده مالیات در روایات باب زکات نقدین قبل از ماه دوازدهم بر اجتناب کننده از مالیات صادق است و احکامی نیز برای آن بیان شده است.

۲-۴- حکم فرار کننده از مالیات زکات (مانع الزکاه)

فقهای سنی و شیعه بر مذمت مانع زکات اتفاق نظر دارند و با استناد به برخی از روایات که زکات را از ضروریات دین شمرده و مانع آن را نیز به منزله کافر و مشرک بحساب آورده‌اند، تعزیر مانعین آن را نیز کمترین حکم برای آنان می‌دانند. البته اطلاق کفر و شرک بر مانع الزکاه به معنای اصطلاحی نیست و بلکه به معنای این است که زکات از واجبات و در ردیف صلاة بوده و اگر کسی آن را ترک کند به منزله کافران و مشرکان می‌شود.

علامه در کتاب تذکره بیان می‌کند که مانع زکات مرتد نیست و جنگ با او واجب است تا اینکه زکات خود را بدهد و اگر زکات خود را داد رها می‌شود و الا کشته می‌شود و اگر آنرا نپردازد و همچنین معتقد باشد که برای او حلال است، آنگاه او مرتد قلمداد می‌شود. علامه در ادامه می‌گوید برخی از اهل سنت مانع الزکاه را حتی اگر مسلمان باشد، مرتد می‌دانند، که پایه و اساسی برای آن وجود ندارد. (تذکره الفقهاء (ط.ق)، العلامة الحلی، ج ۱، ص ۴۵۷)

همچنین در کتاب نهایی مرحوم علامه نیز همین مطلب تکرار شده و گفته شده که حاکم

مسلمین باید او را تعزیر کند و لکن نباید بیشتر از اندازه زکات از او گرفته می شود.^۱ محقق اردبیلی نیز با تأیید این حرف هدف را گرفتن زکات دانسته و لو اینکه آن با جنگ بدست آید. البته اگر در این میان مانع الزکاه کشته شود خورش هدر می‌باشد (مجمع الفائدة، المحقق الأردبیلی، ج ۷، شرح ص ۵۲۶ - ۵۲۹). نجفی در کتاب جواهرالکلام نیز با صحه گذاشتن بر روایاتی که بر لزوم کشتن امتناع کننده از زکات تأکید دارند، آنرا از باب امر به معروف دانسته و بیان می‌کند که باید بر مبالغه و ارتداد منع کنندگان حمل شود.^۲

این قدامه در کتاب مغنی نظر اهل سنت را چنین بیان می‌کند: می‌گوید کسی که زکات را انکار کند و از نواحی دور و بدون خبر باشد حکم به کفر او نمی‌شود زیرا معذور است و بنابراین تعلیم داده می‌شود ولی اگر در میان مسلمین و اهل علم بزرگ شده باشد او مرتد است و توبه داده

^۱ - درس خارج فقه - زکاة / حضرت آیه الله العظمی فاضل لنکرانی، جلسه دوم ۸۴/۶/۲۶

^۲ - جواهر الکلام - الشيخ الجواهری - ج ۱۵ - ص ۱۳ - ۱۴ (الأول فی زکاة المال) التي وجوبها فی الجملة من الضروریات المستغنیة عن الاستدلال بالآیات والروایات فیدخل منکره من المسلمین فی الملبین أو الفطریین علی حسب غیره من إنکار الضروری الذی قد أفرغنا الکلام فی وجه الکفر بانکاره فی أحكام النجاسات من کتاب الطهارة فلاحظ وتأمل، بل فی خبر أبان بن تغلب عن الصادق (علیه السلام) " دمان فی الاسلام حلال من الله لا یقضى فیهما حتی یبعث قائمنا أهل البيت علیه السلام ، فإذا بعثه الله حکم فیهما بحکم الله : الزانی المحضن یرجمه ، ومانع الزکاة یضرب عنقه " وقال أيضا فی خبر أبی بصیر: " من منع قیراطا من الزکاة فلیمت إن شاء یهودیا وإن شاء نصرانیا " وقال أيضا فی خبره الآخر: " الزکاة لیس یحمد صاحبها ، إنما هو شیء ظاهر ، إنما هو شیء حقن بها دمه ، وسمى مسلما " ونحوه موثقة سماعه بل فی وصیة النبی (صلی الله علیه وآله) (۵) لعلى (علیه السلام) " کفر بالله العظیم من هذه الأمة عشرة - وعد منهم - مانع الزکاة " إلی غیر ذلك مما یجب حمل ما فیہ من الکفر علی إرادة المبالغة أو علی إرادة الترتک استحلالا ، وأما ما أوما إلیه بعضها من قتال مانعی الزکاة مع وجودها عندهم فهو علی مقتضى الضوابط فی غاصبی الأموال بناء علی أن الزکاة فی العین بل وإن قلنا بالذمة ، ولذا صرح به هنا غیر واحد من الأصحاب ، بل لعله من معقد إجماع التذکره ، لکن الأولى مباشرة الإمام (علیه السلام) أو نائبه لذلك ، وإن کان قد یقوی جواز مباشرة غیره له أيضا من الأمر بالمعروف الذی هو هنا المقاتلة مع التوقف علیها ، بل لعله واجب مع التمكن (و) لتتحقیق ذلك محل آخر

می شود که اگر توبه نکرد کشته می شود. ایشان در فرع دیگری بیان می کند که اگر آن فرد معتقد به وجوب آن باشد و لکن از پرداخت آن امتناع کند، چنانچه امام بر او غالب شود زکات او را می گیرد و تعزیرش می کند و سپس می گوید این نظر اکثر اهل علم است که از جمله آن‌ها ابوحنیفه، شافعی، مالک و اصحاب آن‌ها می باشند. همچنین می گوید همینگونه برخورد می شود با کسی که مال خود را کتمان می کند و لکن به اندازه نصف مالش بیشتر از او گرفته می شود (المغنی، عبد الله بن قدامه، ج ۲، ص ۴۳۵ - ۴۳۸)

بنابراین همانگونه که در کلمات علما ذکر شده است حکم تعزیر لاقفل برای فرار از مالیات زکات لازم می باشد و لکن برخی از علمای اهل سنت، امتناع کننده از زکات را مرتد دانسته و سپس گرفتن همه اموال او را لازم می بینند که بخشی به ورثه داده شده و بخشی برای زکات گرفته می شود و همچنین همه علما قتال با مانع الزکاه را تا پرداخت آن لازم دیده و در مورد فرار مالیاتی نیز برخی اندازه بیشتری را لازم دانسته اند که از فرد باید گرفته شود و برخی نیز به همان اندازه با حکم تعزیر تأکید دارند و بنابراین در زمان وجود حکومت اسلامی عادل تعزیر حد کف حکم فرار از مالیات می باشد.

۲-۳ حکم اجتناب کننده از مالیات زکات

روایاتی زیادی داریم که اجتناب مالیاتی در زکات (با لفظ فرار) را اشکالی ندانسته و همچنین در رساله‌های عملیه همه علما بر مبنای آن فتوا داده‌اند که در اینجا به متن فتوا و دلالت برخی روایات اشاره می شود.

در توضیح المسائل فارسی امام خمینی^(ره) در مسأله ۱۹۰۳ (ص ۲۵۳) آمده است: اگر در بین یازده ماه طلا و نقره‌ای را که دارد با طلا یا نقره یا چیز دیگر عوض نماید یا آن‌ها را آب کند، زکات بر او واجب نیست. ولی اگر برای فرار از دادن زکات اینکارها را بکند، احتیاط مستحب آن

است که زکات را بدهد.^۱ بقیه مراجع نیز بر همین فتوا می‌باشند.

کتاب وسائل الشیعه^۲ بابی مخصوص فرار از زکات نقدین^۳ دارد که برخی از روایات آن دلالت بر این دارند که فرار قانونی از زکات یا همان اجتناب مالیاتی (با تبدیل درهم و دینار به زیور آلات یا خرید چیزی با آنها و یا بخشیدن آنها) اشکالی ندارد (الحرالعاملی، ج ۹، ص ۱۵۱ - ۱۵۲) (وسائل الشیعه (آلالبیت)، الحرالعاملی، ج ۹، ص ۱۵۹ - ۱۶۶) و همچنین آمده است که اگر در زکات نقدین که باید یکسال کامل قمری از مقدار نصاب طلا و نقره پیش فرد بماند تا زکات به آن تعلق بگیرد، چنانچه شخص پیش از شروع ماه دوازدهم آنرا تبدیل به زینت کند یا با آن زمینی ملکی و یا آنرا به جهت فرار از زکات ببخشد، اشکالی ندارد و بنابراین گفته شده است که با فرار قانونی مالیات زکات نیز حذف می‌شود و عقوبتی نیز ندارد. در برخی از روایات بیان شده است که فرد پول طلا و نقره ای را تبدیل به زینت و تجمل می‌کند، در برخی آمده است که فرد آن‌ها را قبل از حلول سال می‌بخشد که بیان شده است اشکالی ندارد.

و البته علمای شیعه برخی دیگر از روایات این باب را، که فرار بدینگونه را مذمت کرده، در جمع با این دسته روایات بر کراهت اجتناب از مالیات زکات حمل کرده‌اند. در برخی از آن‌ها

^۱ توضیح المسائل (فارسی) - السید الخوئی - ص ۳۲۶

توضیح المسائل (فارسی) - السید الگلپایگانی - ص ۳۲۳

توضیح المسائل (فارسی) - الشیخ محمدعلی الأراکی - ص ۳۴۱

توضیح المسائل (فارسی) - السید السیستانی - ص ۳۹۰

توضیح المسائل (فارسی) - الشیخ حسین النوری - ص ۳۷۰

توضیح المسائل (فارسی) - الشیخ فاضل اللکرانی - ص ۳۶۵

توضیح المسائل (فارسی) - الشیخ لطف الله الصافی - ص ۳۷۷

توضیح المسائل (فارسی) - الشیخ وحید الخراسانی - ص ۵۴۴

آمده است که فرد با این عمل چیزی را پیش خدا از دست داده است که بسیار بیشتر از مقدار مالیاتی است که باید بعد از حول می داد و یا با تبدیل به جهت فرار از زکات در دنیا برخی فایده‌هایی را از دست می‌دهد که مالیات از آن جهت ساقط می‌گردد و به هر حال به لحاظ فتوا علما اجتناب را مجاز دانسته و پرداخت زکات را به جهت رعایت حقوق فقرا در آن شرایط مستحب دیده‌اند.

عمرین یزید می‌گوید به امام صادق^(ع) گفتم مردی که می‌تواند زکاتی به گردش قرار گیرد و لکن با مالش زمین یا خانه‌ای می‌خرد (تا زکات از گردش ساقط گردد) آیا برگردن او در آن مال زکاتی نیست؟ امام فرمودند که نه و همینگونه اگر آن مال را تبدیل به زینت کند نیز چیزی بر گردن او نیست و او چیزی که با این تبدیل از دست می‌دهد بیشتر از آن حق خدایی است که باید می‌داد.

در روایت دیگری از علی بن یقطين از امام موسی بن جعفر وارد شده است که امام می‌فرماید زکات در جایی که نقدین تبدیل به زینت می‌شوند واجب نیست. علی بن یقطين می‌گوید به امام گفتم: اگر چه او اینکار را برای فرار از پرداخت زکات انجام دهد؟ امام می‌فرماید: آیا نمی‌بینید که منفعت از آن ما (با اینکار) می‌رود و آنچه نفسش را از زیادی آن مال منع کرد بیشتر از آن حق خدایی بود که در آن وجود داشت.

برخی از روایات دیگر که نزدیک به این مذموم است، وجود دارند که از بیان آن‌ها صرف نظر می‌شود و به محل آنها جهت اختصار رجوع داده می‌شود.

و در مجموع ممکن است که زبان اینگونه روایات این باشد که با اجتناب قانونی، احترام به قانون گذاشته می‌شود که این احترام به قانون در بلند مدت تاثیر شدیدی بر اصلاح جامعه دارد و بنابراین تمرین احترام به قانون و اجتناب از پرداخت مالیات اگر چه حقوق فقرا و دیگر مصارف زکات را از بین می‌برد و لکن دارای مصلحت بیشتری خواهد بود که در بلند مدت تاثیر اصلاحی

بر جامعه دارد.

چنانچه نظر تعمیم در موارد زکات پذیرفته شود و بنابراین تعیین موارد آن بدست حاکم اسلامی باشد، در این صورت الگویی که از این روایات گرفته می‌شود این است که به اجتناب مالیاتی باید اجازه داده شود و لکن قوانین باید به گونه‌ای وضع گردند که کمتر این اتفاقات بیافتد.

۴- برخی مجازات‌ها برای فرار کننده مالیات زکات در روایات و آیات

در آیاتی از قرآن نیز به مجازاتی از جانب خداوند نسبت به مانع الزکاه اشاره شده است چنانچه در برخی از روایات بیان شده است که در زمان پیامبر (ص) نیز محدودیت‌هایی برای فرار کننده از زکات در اجتماع قرار داده شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود

۴-۱- مجازاتی از نوع مجازات قارون برای عدم پرداخت زکات

روزی موسی^(ع) به قارون گفت خداوند به من دستور داده که زکات مالت را برای نیازمندان بگیرم، قارون با اندک تأمل و حسابی که کرد، فهمید باید مبلغ هنگفتی به عنوان زکات بپردازد، از تمکین دستور زکات خوداری کرد و راه مبارزه با موسی^(علیه السلام) را پیش گرفت و خداوند او را در دنیا برای اینکار عذاب کرد، و فرمان هلاکت قارون این بود: فحسبنا به و بداره الارض، ما قارون و خانه اش را در زمین فرو بردیم. فما كان له من فئة ينصرونه من دون الله و ما كان من المنتصرين، (قارون دیگر در آن حال) گروهی را نداشت که او را در مقابل عقوبت هولناک الهی یاری کند و نیز قدرت نداشت تا خویشش را یاری دهد. نه اطرافیانش و نه اموال و گنج هایش هیچ یک نتوانستند کمترین کمکی به او بکنند او را و اموالش را از چنگال عذاب قهر الهی نجات دهند، بلکه قارون و ثروت افسانه‌ای اش یک جا به قعر زمین فرو رفتند.

این آیه بیان می‌کند که در زمان موسی^(ع) نیز اغنیا دارای حقوق مالی بوده‌اند و عدم پرداخت آن حقوق نیز مجازات داشته است و این مجازات به حدی بوده است که جامعه به طور کامل از مجازات آن آگاه شده است و بنابراین مجازات عدم پرداخت آن در انظار به آن صورت

خاص علاوه بر آنکه موجب عبرت بقیه مردم در توجه به پرداخت زکات مال بوده است، بلکه با از بین رفتن برخی اموالش در آن زمان قدرت و ابهتش که موجب فساد جامعه شده بوده است، نیز از بین رفته است و بنابراین مجازات او همراه فواید دیگری به غیر از توجه دادن به نیاز فقرا بوده است.

۴-۲- اخراج از اجتماع و محدودیت

در روایتی از امام باقر^(ع) آمده است که ایشان فرمودند: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد مسجد شدند و با جمله «قم یا فلان، قم یا فلان، قم یا فلان» برخیز فلانی، برخیز فلانی، برخیز فلانی، پنج نفر را از مسجد اخراج کردند و فرمودند: شما که زکات نمی‌دهید از مسجد بیرون بروید. آری نمازگزار واقعی بخیل نیست. (من لا یحضر الفقیه ج ۲ ص ۱۲) (وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۲۴)^۱

ممکن است کیفی که در این روایت بیان شده باشد مربوط به یک شرایط زمانی خاص باشد و لکن بیانگر این است که باید برای فرار کننده مالیات محدودیت ایجاد کرد ولو اینکه این محدودیت اخراج از مسجد و اجتماع مسلمانان باشد و ممکن است که در آن روز اینگونه تعزیر دارای اثر بوده است که در جامعه فعلی ما این اثر را نداشته باشد و محدودیت‌های دیگر دارای اثر باشد و بنابراین در هر زمان ابزاری مناسب خود را می‌طلبند.

^۱- رواه الصدوق باسناده عن عبدالله ابن مسکان عن عن ابی جعفر^(ع) قال: بینما رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فی المسجد اذ قال: قم یا فلان؛ قم یا فلان؛ قم یا فلان؛ حتی اخرج خمسة نفر؛ فقال: اخرجوا من مسجدنا لا تصلوا فیہ و أنتم لا تزکون اذا مسه الخیر منوعاً الا المصلین، آخر روایت مربوط به سوره معارج و در ارتباط با حق معلوم است که همه انسانها هلوع شمرده شده اند مگر کسانی که نمازگزار باشند و چنانچه همچنین حکمی برای حق معلوم که برخی آنرا مستحب و برخی لازم آن را دانسته‌اند

۴-۳- کیفر با مقاتله و تعزیر

در روایت صحیح از ابی بصیر^۱ از امام صادق^(ع) رسیده است که امام فرمودند: " بدرستی که زکات چیزی نیست که کسی نسبت به پرداخت آن مدح شود زیرا که آن (تکلیفی) ظاهر است که (با دادن آن) خون او با دادن زکات حفظ می‌شود و با آن فرد مسلمان به حساب می‌آید. همچنین از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت است که فرمودند: دستور دارم با مردم مبارزه کنم تا شهادت دهند که جز خدا معبودی نیست و من فرستاده خدایم و همچنین نماز بپا دارند و زکات بپردازند (کنز العمال، ج ۶، ص ۵۲۷)^۲ و همچنین روایات زیاد دیگری نزدیک به این مضمون وجود دارد که از ذکر آن‌ها جهت اختصار صرف نظر می‌شود.

یعنی اینکه زکات حکم واجب حکومتی همانند مالیات‌های متعارف است که همه افراد جامعه ملزم به پرداخت آن هستند که با دادن آن، در زمره مسلمانان به حساب می‌آیند و بنابراین اگر کسی در زمان گرفتنش مقاومت کند و درگیر شود و خونی از او در درگیری ریخته شود، برای آن خون بهایی داده نمی‌شود و او نیز دیه ای نمی‌تواند طلب کند زیرا در برابر قانون ایستاده است. البته برخی از علما این روایات را مربوط به موارد ارتداد دانسته‌اند که عقیده فرد نیز از حکم ضروری زکات نیز برگشته باشد و لکن بدون اینگونه حملها نیز مقابله با دولت اسلامی و عدم تمکین به قانون مالیات که منجر به درگیری و قتل شود نیز می‌تواند مصداق این روایات باشد.

۵- آثار دنیوی، معنوی و اخروی امتناع از پرداخت مالیات زکات در روایات

همانگونه که در علم مالیه عمومی آمده است فرار و اجتناب مالیاتی دارای آثار سویی بر

^۱ - محمد بن یعقوب عن علی ابن ابراهیم عن ابیه عن الحسن بن سعید عن فضاله بن ایوب عن ابی المعز عن ابی بصیر عن ابی عبدالله^(ع)، إن الزکاة لیس یحمد بها صاحبها ، إنما هو شیء ظاهر ، إنما حقن الله بهادمه وبها سمی مسلما.

^۲ - ر.ک: (بحار الأنوار - العلامة المجلسی - ج ۵۲ - ص ۳۰۹) (بحار الأنوار - العلامة المجلسی - ج ۷۶ - پاورقی

ص ۴۲ - ۴۴) (ثواب الأعمال : ۲۲۱) (بحار الأنوار - العلامة المجلسی - ج ۹۳ - ص ۸)

اقتصاد است که به آنها اشاره شد و لکن در ارزشهای اسلامی نیز برای عدم پرداخت مالیات زکات آثاری ذکر شده است که برخی مربوط به دنیا و برخی مربوط به معنویات و برخی مربوط به آخرت است و آثار دنیایی نیز برخی مربوط به سطح کلان و برخی مرتبط به سطح خرد می‌باشد. این بخش از مقاله به آثار دنیایی امتناع و اجتناب از پرداخت زکات در سطح خرد و کلان و همچنین آثار معنوی و اخروی آن به ترتیب می‌پردازد.

۵-۱- آثار دنیوی در سطح خرد

فرار و اجتناب از مالیات برای هر شخص در یک حکومت اسلامی عادل (که حاکم به حق و عدل مالیات وضع کرده باشد) دارای آثاری حقیقی بر زندگی او و جامعه‌اش خواهد داشت که به برخی از آنها در اینجا اشاره می‌شود.

الف- با ندادن مالیات زکات مال فرد زیاد نمی‌شود؛

در روایت از امام صادق (ع)^۱ آمده است که ایشان فرمودند: با پرداخت زکات از ثروت کسی کم نشده است. همان طور که کسی با منع از زکات ثروتش زیاد نشده است^۱ (وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۱۲).

ممکن است این کلام در ارتباط با برکت مال به لحاظ فردی باشد و بنابراین به آثار خردی مالیات اشاره داشته باشد و ممکن است نیز مرتبط با اصلاحات بدست آمده از ناحیه مالیات در جامعه باشد و بنابراین گفته شود که پرداخت مالیات که اصلاحاتی ایجاد می‌کند و اموال با اصلاحات حفظ می‌شود، موجب کاهش مال فرد نمی‌شود.

ب- ندادن مالیات زکات موجب انفاق باطل می‌شود؛

مالیات که نباشد، اصلاحات دولت انجام نمی‌شود و مخارج باطلی که می‌تواند هم توجیه

^۱ عن أبي عبد الله (عليه السلام): ما أدى أحد الزكاة فنقصت ماله ، ولا منعها أحد فزادت في ماله .

معنوی داشته باشد و هم توجیه مادی بر گردن فرد می افتد و لذا در روایات داریم "کسی که حق خدا را نپردازد و در راه حق مال خود را صرف نکند، دو برابر آن مقدار را در راه باطل صرف خواهد کرد."^۱

ج - ندادن مالیات باعث اضرار به غیر می شود.

زمانیکه اصلاحات از ناحیه مالیات بوجود نیاید، خود شخص ضرر و زبانی که به دیگران می رساند نیز بیشتر می باشد، چنانچه رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: "کسی که مال خود را از مصرف در راه خوبان با اختیار خود باز دارد، خداوند مال او را در راه اشرار با اجبار صرف خواهد نمود."^۲

د - وقتی مالیات زکات نمی دهد مالش در راه گناه هزینه می شود.

پرداخت مالیات باعث می شود که پول در مسیر صحیح خود به جریان افتد و چنانچه پول مالیات زکات داده نشود، راه های زیادی برای گناه از جانب مستمندان و افراد جامعه بوجود می آید که زمینه گناه را برای فرد نیز می تواند فراهم کند چنانچه نظام تکوین با اسبابی غیبی مسایلی را برای او فراهم می سازند. از امام صادق (ع)^۳ روایت است: "آگاه باشید، کسی که مال خود را در راه اطاعت خداوند صرف نکند، به هزینه کردن آن در راه معصیت خداوند گرفتار می شود و هر کس در حل مشکلات ولیّ خدا گامی برندارد، خداوند او را بر تلاش و حرکت در راه حلّ مشکلات دشمن خدا گرفتار می کند."

س - وقتی فرد مالیات زکات نمی دهد، مال فرد از بین می رود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ - «من مَنَعَ حَقًّا لِّلَّهِ أَنْفَقَ فِي بَاطِلٍ مِّثْلِيهِ

^۲ - عن رسول الله (ص): «من مَنَعَ مَالَهُ مِنَ الْأَخْيَارِ اخْتِيَارًا صَرَّفَ اللَّهُ مَالَهُ فِي الْأَضْرَارِ اضْطِرَارًا»

^۳ - عن ابي عبد الله (ع): «و اعلم أنه من لم ينفق في طاعة الله ابتلى بان ينفق في معصية الله و من لم يمش في حاجة وليّ الله ابتلى بان يمشي في حاجة عدوّ الله»

از امام صادق (ع) روایت است که فرمود: (بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۰): هرگز مالی در خشکی و دریا تلف نمی شود، مگر به جهت نپرداختن زکات آن.
د- ندادن زکات انسان را از رحمت خدا دور می کند.
امام صادق (ع) فرمود: کسی که حق خداوند را از مالش نپردازد، سزاوار است که خداوند رحمت خود را از او دریغ کند، چنانچه رحمت خداوند اعم از رحمت مادی و معنوی می باشد.
همه این اخبار می تواند اشاره به اخبار غیبی باشد که در ارتباط با آثار فردی و خردی عدم پرداخت مالیات است که خداوند به جهت عدم پرداخت حقوق امثال فقرا بر آن مترتب کرده است چنانچه می تواند آثاری باشد که از ناحیه تاثیر طبیعی عدم پرداخت زکات که موجب نابسامانی جامعه و باقی ماندن نیاز فقرا بجا می ماند، باشد.

۵-۲- آثار دنیوی در سطح کلان

وقتی فرد مالیات خود را نمی دهد مشکلاتی برای کل جامعه بوجود می آید که نه تنها خود شخص ممکن است گرفتار آن مشکلات شود بلکه کل جامعه با آن مشکلات گره می خورد.
همانند:

الف- پیدایش فقر بیشتر می گردد؛

یکی از ابزار رفاه عمومی نبود فقر است که همه جامعه با نبودش لذت می برد و بخش خصوصی نیز با انگیزه سودآوری در جهت حل آن نمی کوشد و لکن از نبودش همه منتفع می گردند و ندادن مالیات باعث ندادن زکات به فقرا و در نتیجه موجب پیدایش فقر در جامعه می گردد، چنانچه امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که زکات پرداخت نشود فقر و نیاز بروز خواهد

۱- عن ابی عبدالله (ع): ما تَلَفَ مالٌ فی برٍّ و لا یَحِرُّ إِلَّا بِمَنْعِ زَکَاةٍ، در روایت دیگر عن ابی عبدالله (ع) «ما ضاع مال فی البرِّ و لا البحر الا بتضییع الزکاة» هیچ مالی در خشکی یا دریا ضایع نمی شود، مگر به خاطر آنکه زکات آن پرداخت نشده است.

کرد. ^۱ (اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴۸) (جامع الاحادیث، ج ۹، ص ۵۸) و همچنین می‌فرمایند: ^۲ (جامع الاحادیث، ج ۹، ص ۴۳). هر گاه مردم زکات ندهند، حال فقرا و ثروتمندان بد می‌شود.

ب- بلاهای طبیعی بیشتر نازل می‌شود؛

زمانیکه مالیات (زکات) داده نمی‌شود، کالاهای عمومی از قبیل امنیت، راه‌ها، ایجاد ساختارهای مناسب و مانند آن ایجاد نمی‌گردد و در نتیجه کوچکترین اتفاق طبیعی موجب ایجاد حادثه‌ای بزرگ می‌گردد، چنانچه نفس گناه عدم پرداخت به همراه آه و ناله مظلومان و فقرا موجب ایجاد حوادث ناگوار می‌گردد چنانچه امام صادق ^(ع) فرمود: "خداوند به واسطه نمازگزاران شیعه بلا را از شیعیانی که نماز نمی‌خوانند دفع می‌کند، و اگر نماز را ترک کنند هلاک خواهند شد. و خداوند به خاطر زکات پردازان شیعه بلا را از کسانی که زکات نمی‌دهند دفع می‌کند و اگر همه زکات را ترک کنند نابود خواهند شد." (همان، ج ۲، ص ۴۱۵)

ج- مرگ حیوانات زیاد می‌رود؛

با عدم پرداخت زکات و مالیات مخارج فی سبیل الله و عمومی کاهش می‌یابد و در نتیجه محیط زیست بیشتر به خطر می‌افتد چنانچه از امام صادق ^(ع) روایت است که فرمودند: ^۳ "هنگامی که از پرداخت زکات جلوگیری شود حیوانات [حلال گوشت] هلاک خواهند شد." (من لایحضر، ج ۱، ص ۵۲۴) امام رضا ^(ع) فرمود: ^۴ "هر گاه زکات پرداخت نشود، چهارپایان می‌میرند." ^۵

^۱ - «إذا منعت الزکاة ظهرت الحاجة»

^۲ - «إذا منعت الزکاة ساءت حال الفقیر و الغنی»

^۳ - «إذا أمسکت الزکاة هلکت الماشیه؛

^۴ - «إذا حُبست الزکاة ماتت المواشی»

^۵ - الخصال: جعفر بن علی، عن جده الحسن بن علی، عن علی بن حسان عن عمه عبد الرحمن، عن أبی عبد الله ^(ع) قال:

إذا فشت أربعة ظهرت أربعة: إذا فشا الزنا ظهرت الزلازل، وإذا أمسکت الزکاة هلکت الماشیه، وإذا جار الحکام فی

القضاء أمسکت القطر من السماء، وإذا خفرت الذمّة نصر المشرکون علی المسلمین.

د- نزول برکات آسمانی کم می‌شود: زمانی که کالاهای عمومی با عدم پرداخت زکات و مالیات ایجاد نمی‌شوند، فضای کسب و کار نامناسب بوده، هزینه معاملات افزایش یافته و در نتیجه رونق اقتصادی کاهش می‌یابد چنانچه از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت است که فرمودند: ^۱ «هنگامی که از پرداخت زکات خودداری شود زمین برکاتش را باز خواهد داشت.^۲» (جامع الاحادیث، ج ۹، ص ۵۲). در حدیث دیگری از امام صادق (ع) می‌خوانیم: هرگاه مردم از پرداخت زکات امتناع کنند، زمین برکت خود را از همه کشتزارها و باغ‌ها و معادن می‌گیرد. (بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۵)

س- با ندادن مالیات زکات کمبود و قحطی بوجود می‌آید: با عدم ایجاد بسترهای مناسب در تولید که از ناحیه مخارج دولت بوده و با مالیات تامین مالی می‌شود، بوجود می‌آید، زمینه کمبود و کاهش تولید در جامعه ایجاد می‌شود و در نتیجه ممکن است زمینه قحطی نیز فراهم گردد چنانچه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: ^۳ «أمت من تا مادامی که یکدیگر را دوست بدارند و اهل نماز و زکات باشند در خیر و سعادت به سر می‌برند، ولی اگر این گونه نباشند، گرفتار قحطی می‌شوند. (بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۴) و یا در جای دیگر با روایت دیگر فرموده اند: زکات را بپردازید، پس اگر این کار را نکردید، گرفتار قحطی می‌شوید.

۵-۳- آثار معنوی

عدم پرداخت مالیات زکات آثاری بر روح و روان فرد نیز دارد که به برخی از آنها در اینجا اشاره می‌شود:

الف- ندادن زکات باعث عدم پذیرش نماز در نزد خدا می‌شود.

^۱ - إذا منعت الزکاة منعت الارض برکاتها؛

^۲ - إذا منعوا الزکاة منعت الارض برکاتها من الزرع و الثمار و المعادن کُلها

^۳ - «لا تزال امتی بخیر ما تحبوا و اقاموا الصلوة و اتوا الزکاة فاذا لم يفعلوا ذلك ابتلوا بالقحط و السنین»

از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت است که فرمودند^۱: نماز هشت گروه پذیرفته نمی شود، یکی از آنان کسانی اند که از پرداخت زکات خودداری می کنند. (وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۱۶) و در جای دیگر از رسول الله علیه السلام روایت است که فرمودند^۲. (بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۹) نماز کامل نمی شود، مگر به دادن زکات و کسی که زکات نمی دهد، نمازی برای او ثبت نمی شود. همچنین فرمودند: نماز کسی که زکات نمی پردازد همچون لباس کهنه در هم پیچیده و به صورت نماز گزار پرتاب می شود (بحار الأنوار - العلامة المجلسی - ج ۹۳ - ص ۲۸ - ۳۰).^۳

همینگونه از امام علی (ع) روایت است که فرمودند^۴. خداوند نماز کسی را که زکات نمی دهد، قبول نخواهد کرد. (بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۹) همچنین فرمودند: همانا پرداخت زکات و اقامه نماز، باعث تقرب مسلمانان به خداوند می شود، سپس آن که زکات را با رضایت خاطر پردازد، کفاره گناهان او می شود و بازدارنده و نگاه دارنده انسان، از آتش جهنم است، پس نباید به آن چه پرداخته شده با نظر حسرت نگاه کرد و برای پرداخت زکات افسوس خورد، زیرا کسی که زکات را از روی رغبت پردازد، پاداش او اندک و عمل او تباه و همیشه پشیمان خواهد بود. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹)

از امام رضا (ع) نیز روایت است که فرمودند: ^۵(بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۲) خداوند به نماز و زکات با هم دستور داده است، پس کسی که نماز بخواند ولی زکات نپردازد، نماز او پذیرفته نخواهد شد. از امام صادق (ع) نیز روایت است که حضرت موسی (ع) جوانی را دید که نماز با حالی

۱- عن رسول الله (ص): "ثمانية لا تقبل منهم صلاة فمن هم مانع الزكاة؛

۲- عن رسول الله (ص): لا تيمم صلاة إلا بزكاة ولا صلاة لمن لا زكاة له

۳- وعنه رسول الله (ص) أنه قال: لا يقبل الله الصلاة ممن منع الزكاة. وعنه عن رسول الله صلی الله و آله أنه قال: لا تتم

صلاة إلا بزكاة، ولا تقبل صدقة من غلول، ولا صلاة لمن لا زكاة له، ولا زكاة لمن لا ورع له.

۴- عن علی (ع): لا يقبل الله الصلاة ممن منع الزكاة

۵- عن الرضا (ع): إن الله ... امر بالصلاة و الزكاة فمن صلى و لم يزك لم تقبل منه صلواته.

می خوانند، به خداوند گفت: چه نماز زیبایی دارد! به او وحی شد نماز او زیباست ولی این جوان بخیل است و زکات نمی پردازد و تا زمانی که زکات ندهد، نمازش قبول نیست (وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۲۲).^۱

ب- انسان با ندادن مالیات از ایمان خارج می گردد.

از امام صادق^(ع) روایت است که فرمودند: امام صادق^(ع) فرمود: کسی که به وزن یک قیراط از زکات واجب را نپردازد مؤمن و مسلمان نیست و مصداق فرموده. خداست (که بعد از مرگ می گوید) خدایا مرا برگردان تا بعدها کار شایسته انجام دهم.^۲ (همان ص ۱۸) (بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۱) چنانچه از امام صادق^(ع) در روایت دیگری آمده است: «(بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۰) کسی که قیراطی (یک بیست و چهارم دینار) از زکات را نپردازد، اگر بمیرد، بر دین یهود یا نصاری مرده است. روایاتی مشابه این دو نیز وجود دارد که از آنها صرف نظر می شود. (بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۹).^۳ (وسائل الشیعه ج ۶ ص ۱۸)

ج- یکی از علایم نفاق ندادن مالیات است.

در آیه ۶۷ سوره توبه که سیمای منافقان را بیان می کند، می فرماید: «آنان دست خود را از کمک به دیگران می بندند و (این گونه) خدا را فراموش می کنند، خدا نیز با آنان رفتار فراموش شدگان را انجام می دهد.

د- ندادن مالیات زکات به منزله سرقت از اموال دیگران است.

۱- عن ابی عبد الله^(ع): مَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ لَمْ يُؤْتِ الزَّكَاةَ فَكَأَنَّهُ لَمْ يُقِمِ الصَّلَاةَ.

۲- عن ابی عبد الله^(ع): مَنْ مَنَعَ قِيرَاطًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُسْلِمٍ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «رَبِّ ارْجِعُون لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُمْ»

۳- عن ابی عبد الله^(ع): مَنْ مَنَعَ قِيرَاطًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْمَتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا وَ إِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا

۴- عن ابی عبد الله^(ع): مَنْ مَنَعَ قِيرَاطًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْسَ (۱) بِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُسْلِمٍ وَ لَا كَرَامَةٍ

۵- «(سوره توبه، آیه ۶۷): المنافقون والمنافقات بعضهم من بعض... يقبضون ايديهم نسوا الله فنسيهم»

امام صادق^(ع) فرمود^۱: دزدان سه نوع‌اند: مانعین زکات، کسانی که مهریه زنان را حلال می‌شمارند (و نمی‌دهند)، و کسی که قرض می‌کند ولی قصد پرداخت ندارد." (میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۲۱) ^{۳۲}.

ر- انسان با ندادن مالیات هم ردیف رباخواران می‌گردد.

حضرت علی^(ع) فرمود: ^۴کسی که زکات ندهد همچون رباخوار است. ^۵. (بحار الأنوار - العلامة المجلسی - ج ۹۳ - ص ۲۸ - ۳۰) - (بحار الأنوار - العلامة المجلسی - ج ۱۰۰ - ص ۱۴۶) ((بحار الأنوار - العلامة المجلسی - ج ۱۰۰ - ص ۳۴۹)

س- پرداخت نکننده زکات مشرک و خیانت کننده به خدا معرفی شده است.

در روایت آمده است که مردی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) پرسید یا رسول الله خداوند متعال می‌فرماید: ^۷وای بر مشرکین که زکاة نمی‌پردازند و نسبت به آخرت اعتقاد ندارند، (این آیه) یعنی چه؟ مشرکین که مسلمان نیستند تا زکاة بدهند، چگونه ترک زکات دلیل بر کفر می‌شود؟ حضرت فرمود: درست است که خداوند مشرکین و کفار را به خاطر ندادن زکات مورد

^۱عن ابی عبدالله^(ع): السراق ثلاثة: مانع الزکاه و مستحل مهوور النساء، و كذلك من استدان و لم ینو قضاة؛

^۲عن ابی عبد الله^(ع): السراق ثلاثة: مانع الزکاه. و مستحل مهوور النساء، و كذلك من استدان دینا و لم ینو قضاة.

^۳عن ابی عبد الله^(ع): السراق ثلاثة: مانع الزکاه، و مستحل مهوور النساء، و كذلك من استدان و لم ینو قضاة.
^۴عن علی^(ع): مانع الزکاه کاکل الربا

^۵و عن علی^(ع): الماعون الزکاه المفروضة، و مانع الزکاه کاکل الربا، و من لم یزک ماله فلیس بمسلم. و عن رسول الله صلی الله علیه و آله أنه لعن مانع الزکاه و آکل الربا.

^۶عن ابی عبد الله^(ع): السراق ثلاثة: مانع الزکاه، و مستحل مهوور النساء و كذلك من استدان و لم ینو قضاة.

^۷(سوره فصلت آیه ۶) و یل للمشرکین الذین لایوتون الزکاه و هم بالآخره هم کافرون،

خشم قرار نمی‌دهد. ولی آیا نشنیدی (آیه قرآن را) که می‌فرماید: ^۱ وای بر نمازگزاران که در نماز از یاد خدا رفتند، آنان که در عباداتشان ریا می‌کنند. ^۲ چنانچه در حدیثی از امام صادق (ع) روایت شده است که ماعون یعنی زکات مال و نیز در درالمشور از طریق اهل سنت آمده است که ماعون همان زکات واجب می‌باشد.

از رسول معظم اسلام (صلی الله علیه و آله) روایت است که فرمودند: ^۳ به خدایی که جان محمد (صلی الله علیه و آله) در قبضه قدرت اوست هیچ فردی به خدا خیانت نمی‌کند در زکات مالش مگر آنکه به خدا مشرک شده " در این روایت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: کسی که زکات نمی‌دهد مشرک است و ندادن زکات را در حد خیانت به خدا و شرک دانسته است. چه سرنوشتی دردناک‌تر برای مانع الزکاة از اینکه به گمان مسلمان بودن و مسلمان مردن باشد، سرانجام مشرک محشور گردد. (بحار الأنوار - العلامة المجلسی - ج ۹۳ - ص ۲۸ - ۳۰)

ک- پرداخت نکردن زکات انسان را گرفتار بخل می‌کند.

رسول اکرم (ص) فرمود: ^۴ (بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۱) سخاوتمندترین مردم، کسی است که زکات مال خود را بدهد و بخیل‌ترین مردم، کسی است که از پرداخت آن چه خدا بر او واجب کرده است، امتناع کند. ^۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- (سوره ماعون) فویل للمصلین ، الذین هم عن صلواتهم ساهون الذین هم یراؤون و ینعون الماعون،

۲- وعن رسول الله (ص): أن رجلا سأله فقال: يا رسول الله قول الله عز وجل " وویل للمشرکین * الذین لا یؤتون الزکاة وهم بالآخرة هم کافرون " (۲) قال: لا یعاتب الله المشرکین أما سمعت قوله: " فویل للمصلین * الذین هم عن صلواتهم ساهون * الذین هم یراؤون و ینعون الماعون " ألا إن الماعون الزکاة ثم قال: والذی نفس محمد بیده ما خان

الله أحد شیئا من زکاة ماله إلا مشرک بالله. (بحار الأنوار - العلامة المجلسی - ج ۹۳ - ص ۲۸ - ۳۰)

۳- و الذی نفس محمد (صلی الله علیه و آله) بیده ما خان الله احد شیئا من زکات ماله الا مشرک بالله.

۴- عن رسول الله (ص): اسخى الناس من أدی زکاة ماله و ابخل الناس من یخل بما افترض الله علیه.

۵- عن جعفر، عن آباءه (ع) أن أمير المؤمنين (ع) سمع رجلا یقول: إن الشحیح أعدر من الظالم، فقال له: کذبت، إن الظالم

گ- انسان با عدم پرداخت زکات به کفر نزدیک می‌شود.

در روایت از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله آمده است که فرمودند: ^۱(بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۳) از میان این مردم ده گروه به خداوند کفر ورزیدند: (یکی از آنها) کسی است که مانع پرداخت زکات می‌شود.^۲

ل- انسان با عدم پرداخت زکات ملعون می‌شود.

از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت است که فرمودند:^۳(وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۲۶) ملعون است، کسی که مالش را تزکیه نمی‌کند (زکات نمی‌پردازد). در روایت دیگر است که فرمودند: إِنَّهُ لَعِنَ مَانِعُ الزَّكَاةِ (بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۹) بی تردید کسی که زکات مالش را نپردازد، ملعون است.

م- ندادن زکات باعث می‌گردد که شخص مبتلا به گناهی همانند ربا که از بزرگترین گناهان است، گردد.

قد يتوب ويستغفر ويرد الظلمة على أهلها، والشح إذا شح منع الزكاة، والصدقة، وصله الرحم، وقرى الضيف، والنفقة في سبيل الله، وأبواب البر، وحرام على الجنة أن يدخلها شحيح.

- عن أبي جعفر^(ع) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): ليس بالبخیل الذى يؤدى الزكاة المفروضة فى ماله ويعطى النائة فى قومه.

عن أبي جعفر^(ع) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): ليس بالبخیل من أدى الزكاة المفروضة من ماله، وأعطى النائة فى قومه، إنما البخیل حق البخیل من لم يؤد الزكاة المفروضة من ماله، ولم يعط النائة فى قومه وهو يبذر فيما سوى ذلك.

^۱- كَفَرَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ عَشْرَةٌ ... و مانع الزكاة.

^۲- عن الصادق عن آبائه^(ع) - فى وصية النبي (صلى الله عليه وآله) لعلی (عليه السلام) قال: يا علی، كفر بالله العظيم من هذه الأمة عشرة: - وعد منهم - مانع الزكاة، ثم قال: يا علی، ثمانية لا يقبل الله منهم الصلاة: - وعد منهم - مانع

الزكاة، ثم قال: يا علی، من منع قيراطا من زكاة ماله فليس بمؤمن ولا بمسلم ولا كرامة،

^۳- عن رسول الله (ص): ملعون، ملعون، مالا لا يزكى.

از علی^(ع) روایت است که فرمود: ^۱علی^(ع) فرمود: مقصود از ماعون (در قرآن) زکات واجب است، بازدارنده زکات همانند رباخوار است، کسی که زکات مالش را نپردازد مسلمان نیست.

۵-۴- آثار اخروی

مانع زکات از جهت اخروی نیز مجازات‌هایی به شرح زیر می‌شود:

الف- انسان با ندادن زکات بعد از مرگ پشیمان می‌شود؛

انسان با ندادن زکات بعد از مرگ پشیمان می‌شود و این پشیمانی بی‌حاصل بعد از مرگ بی‌حاصل است. ابی‌بصیر از امام صادق^(ع) روایت می‌کند که: من منع الزکاه سأل الرجعه عند الموت، و هو قول الله عزوجل: رب ارجعون لعلی اعمل صالحا فیما ترکت (بحار الأنوار - العلامة المجلسی - ج ۶ - ص ۲۱۴ - ۲۱۵) ابوبصیر گوید از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود: کسی که از پرداخت زکات خودداری کند هنگام مرگ تقاضای برگشت به دنیا خواهد کرد و او مصداق فرموده خداست که: خدایا مرا به دنیا برگردان شاید بعدها کار شایسته انجام دهم. (یعنی زکات خود را بپردازم).^۲ (وسائل الشیعه ج ۶ ص ۱۸)

ب- همشین مار عذاب در قیامت است؛

امام باقر^(ع) فرمودند: ^۳(وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۲۲) کسی که زکات مال خود را نپردازد، خداوند آن را در روز قیامت به صورت ماری قرار می‌دهد که بر گردن صاحبش پیچیده و پیوسته او را نیش می‌زند تا هنگامی که حساب رسی آن روز پایان یابد. امام صادق^(ع) فرمود: ^۴(بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۹): کسی که از دادن زکات امتناع کند، ماری بر او مسلط خواهد شد که از

۱- عن علی^(ع): الماعون الزکاه المفروضه، و مانع الزکاه کاکل الربا، و من لم یرک ماله فلیس بمسلم؛

۲- تفسیر علی بن ابراهیم: "حتى إذا جاء أحدهم الموت" إلى قوله: "إنها كلمة هو قائلها" فإنها نزلت في مانع الزكاة

۳- عن الباقر^(ع): ما من عبد منع من زكاة ماله شيئاً إلا جعل الله ذلك يوم القيامة نعباناً من النار

۴- عن الباقر^(ع): مانع الزكاة يطوق بخصيه تأكل من دماغه

مغز او تغذیه می کند^۱. (بحار الأنوار - العلامة المجلسی - ج ۹۳ - ص ۲۸ - ۳۰)

ج- در قیامت دست‌هایش به گردنش بسته می‌شود؛

از امام باقر^(ع) روایت است^۲: خداوند در روز قیامت عده‌ای را از قبورشان در حالی محشور می‌کند که دست‌هایشان به گردن‌های آنان محکم بسته شده و فرشتگان آن‌ها را پیوسته نکوهش می‌کنند و می‌گویند: این‌ها کسانی هستند که خداوند به آن‌ها روزی داد اما آن‌ها از پرداخت حق خدا امتناع ورزیدند. (بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۱)

د- از پل صراط سقوط می‌کند؛

از امیرالمومنین روایت است که فرمودند^۳: شما را به زکات وصیت و سفارش می‌کنم، از پیامبر شما که درود خدا بر او و خاندانش باد شنیدم که فرمود: زکات پل اسلام است، پس کسی که زکات بپردازد از پل می‌گذرد و کسی که آن را پرداخت نکند به پایین آن سقوط می‌کند [پرداخت زکات] خشم پروردگار را فرو می‌نشانند. " (بحار الانوار ج ۷۷، ص ۴۰۷)

س- گرفتار عذاب الیم می‌شود؛

اکثر مفسرین بر این اعتقادند که مراد از آیه شریفه والذین یکنزون الذهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم، مانعین زکاتند. طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان در ذیل آیه مبارکه از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت کرده که آن حضرت می‌فرماید: هر مالی که حقوق الهی آن داده نشود گرچه ظاهر و آشکار باشد (کنز) گنج است، و هر مالی که

۱- عن أبي عبد الله^(ع): مانع الزكاة يطوق بحید قرعاء تأکل من دماغه وذلك قول الله عز وجل " سیطوفون ما بخلوا به یوم القيامة ولم یعط حقه فإنما ماله حیاة تنهشه یوم القيامة

۲- عن الباقر^(ع): إن الله یبعث یوم القيامة ناساً من قبورهم مشدوداً أیدیهم إلى أعناقهم

۳- عن امیر المومنین^(ع): اوصیکم بالزکاة فانی سمعت نبیکم صلی الله علیه و آله وسلم یقول: الزکاة فطره الاسلام فمن اداها جاز القنطرة، و من منعها احتبس دونها و هی تطفی غضب الرب؛

حقوق الهی آن داده شده باشد (کنز) گنج نیست اگر چه آن مال مدفون در زمین باشد.^۱ (وسائل الشیعه (آل البيت) - الحر العاملی - ج ۹ - ص ۳۰)



^۱ - عن الرضا(ع) عن آبائه(ع)، قال: لما نزلت هذه الآية "والذين يكتزون الذهب والفضة ولا ينفقونها في سبيل الله فيشربهم بعباد الیم". قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): كل مال يؤدي زكاته فليس بكنز وإن كان تحت سبع أرضين، وكل مال لا يؤدي زكاته فهو كنز وإن كان فوق الأرض

نتیجه‌گیری

همانگونه که بیان شد در روایات باب زکات اجتناب از زکات با فرار از آن متفاوت دانسته شده است و در مورد اجتناب مسامحه شده در حالی با منع از زکات و فرار از آن برخورد شده است و بنابراین چنانچه برخی از نظرات فقهی در باب تعمیم زکات پذیرفته شود که تعیین موارد زکات بدست حاکم شرع است، در این صورت بر مبنای چنین نظری باید مالیات‌های متداول در یک حکومت عادل اسلامی از نوع زکات دانسته شود و با کسی که آنرا پرداخت نمی‌کند، برخورد شود. بنابراین اگر چه حکم قتال و زدن گردن مربوط به موارد حاد منع زکات یعنی محاربه و ارتداد می‌باشد و یا اینکه مربوط به زمان ظهور امام معصوم است و لکن برداشت تجویز تعزیر برای جلوگیری از معطل ماندن احکام مربوط به رفع فقر و ایجاد کالاهای عمومی از فقه با توجه به روایات نسبت به فرار کننده غیر قانونی ضروری می‌باشد و بنابراین وضع تعزیر مطابق شرایط هر زمان که تاثیرگذار بر امتناع کنندگان از مالیات باشد، می‌تواند به شرع نیز استناد داده شود. البته برای تعیین نوع تعزیر به میزان اثرگذاری آن که با مراجعه به متخصصان حاصل می‌گردد، باید رجوع شود که این مقاله فعلاً به آن نپرداخته است. همچنین اگر فقط معتقد به موارد نه گانه زکات باشیم باز هم اینگونه روایات می‌تواند الگویی برای روش برخورد متفاوت با اجتناب و فرار مالیاتی باشیم. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

همچنین ذکر گردید هم اجتناب و هم فرار دارای آثار بی روح و روان فرد و همچنین اجتماع در سطح خرد و کلان دارد و لکن آثار فردی اجتناب به حد گناه و حرمت نمی‌رسد و برخی از آثار معنوی و آخرتی فقط مترتب بر فرار است در حالی که آثار عدم پرداخت مالیات زکات در سطح کلان هم می‌تواند از ناحیه فرار باشد و هم از ناحیه اجتناب.

در آثار فرار و منع از زکات بیان می‌شود که عدم پرداخت زکات در یک کشور اسلامی به معنای از بین رفتن روحیه ایمان و اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی بوده و همینگونه نابودی و

تخریب اقتصاد و اجتماع می‌باشد، چنانچه اجتناب نیز در سطح کلان دارای آثاری است و لکن احترام به قانون آثار بلند مدت برای اصلاح جامعه دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

۱. ابن قدامة المقدسی؛ محمد بن احمد الشرح الكبير؛ چاپ بیروت لبنان دارالکفر، ج ۲، (۱۴۰۴ق).
۲. بروجردی، حسین؛ جامع الاحادیث؛ جلد ۹. تهران: فرهنگ سبز، (۱۳۸۶).
۳. البروجردی، مرتضی؛ مستند العروة الوثقی (کتاب الزکاة - الجزء الأول) محاضرات؛ (۱۴۱۳ق).
۴. حلی، علامه حسن بن یوسف؛ تذکره الفقهاء؛ قم. موسسه آل البيت، (۱۳۸۳).
۵. خمینی، سید روح الله؛ توضیح المسائل؛ (۱۳۷۹).
۶. الخوئی، سید ابوالقاسم؛ توضیح المسائل؛ چاپ مهر قم، (۱۴۲۱ق).
۷. رضی، سید محمد بن احمد حسنی؛ نهج البلاغه؛ (۱۴۰۶ق)
۸. رضی، شریف ابولحسن محمد؛ میزان الحکمه؛ قم، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، (۱۳۶۲).
۹. ضیائی بیگدلی، فرهاد طهماسبی بلداجی؛ مالیات بر ارزش افزوده: مالیاتی مدرن؛ تهران: انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی، (۱۳۸۳).
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی؛ جلد ۱، تهران، مکتبه الاسلامیه، (۱۴۱۳).
۱۱. للحر العاملی، محمد بن الحسن؛ وسائل الشیعة؛ ج ۱، قم، آل البيت (۱۴۰۸ق).
۱۲. لنکرانی، فاضل؛ درس خارج فقه؛ جلسه دوم الزکاه، (۱۳۸۴).
۱۳. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار، جلد ۷۶ و ۹۳؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی، (۱۴۰۳ق).
۱۴. محقق الاردبیلی؛ مجمع الفائده؛ جلد ۷ (۱۴۱۵ق).
۱۵. المطهر، الحسن بن یوسف؛ نهاية الاحکام للعلامة الحلی؛ ج ۲، (۱۴۱۰ق).

۱۶. نجفی، محمد حسن؛ **جواهر الکلام**؛ جلد ۱۵، دارالکتب الاسلامیه، (۱۳۶۳).

۱۷. نرم افزار معجم فقهی آیت الله گلپایگانی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی